

در بهاران کی شود سرسبز سنگ؟!

سید عطاء الله مهاجرانی

بهار معجزه است! ذهن انسان برحسب عادت گمان می‌کند، هر چه «خلاق آمد عادت بود»، نشانی از معجزه را دربر دارد. اما چهار فصل سال و خورشید و ماه و آسمان و هوا و باد صبا و شعله آتش و قطره باران و زره خاک و... کلمه‌ای که بر زبان ما می‌گردد، چون همه عادی به نظر می‌رسند، حقیقتاً عادی‌اند. چنین نیست. گفته‌اند ما با بصر، صورت پدیده‌ها و نسبت ظاهری آنها را شناسایی می‌کنیم و می‌بینیم. مثلاً مراقبیم به دیوار بر نخوریم. با بصیرت نسبت بین مفاهیم و باطن امور را می‌سنجیم. نسبت بین صدق و کذب، وفا و جفا، محبت و نفرت، دانایی و نادانی و...

بهار از جمله پدیده‌هایی است که نیازمندیم، هم صورت بهار را به خوب ببینیم. بر شکوفه‌ها و گل‌ها و تازگی و طراوت برگ و باغ چشم بدوزیم. با دم عطرآگین باد صبا نفس تازه کنیم و نیز نیازمندیم، باطن بهار را ببینیم.

ببینیم چگونه از سنگ و خاک سبزه و لاله می‌روید. در آستانه نوروز سال ۱۳۹۰ با طیب صالح در طنجه، در ساحل اقیانوس قدم می‌زدیم، سخن از سال نو و بهار شد. گفتم: ایرانیان نقطه تعادل زمان را در آغاز بهار شناسایی کرده‌اند. این نقطه تعادل زمان، همراه با شکفتن شکوفه‌ها و درخشش سبزی برگ‌ها و تازه شدن نفس هواست. از این رو سال نو در تقویم ما با تقویم میلادی و قمری متفاوت است! گفتم، ما رسم دید و بازدید و هدیه داریم. فضای زندگی اجتماعی دگرگون می‌شود. مردم حتی به دیدن کسانی می‌روند که ممکن است بین آنان کدورت‌هایی اتفاق افتاده باشد. طیب صالح گفت: «من هم به شما به عنوان یک دوست برای رسیدن سال نو و بهار هدیه‌ای بدهم. این هدیه جد من است، در همان روستایی که در رمان «موسم هجرت به شمال» روایت شده است. جد من به من گفت: «اهل شکایت و ملامت و ملالت نباش!»

هر چه در این باره بیندیشیم، در آستانه سال نو شایسته است. گاه و بلکه بسا، خانه دل‌هایمان مثل خانه تن‌هایمان نیاز به زدودن غبار دارد. غبارروبی دل‌ها، زدودن گلایه‌ها و کینه‌ها که بر دل‌های ما و بر بال‌های پرواز ما سنگینی می‌کند. به همین خاطر در معارف دینی و اخلاقی ما توصیه شده است: با کسانی که با شما قطع رابطه کرده‌اند،

پیوند برقرار کنید. کدورت‌ها را بتار کنید تا سبک‌بال شوید. وقتی جامعه با دشواری‌ها و زندگی تنگناهای مختلف روبه‌رو می‌شود، اگر دل‌های ما غبارزدایی نشود و بال‌هایمان سبک نشود، زندگی دشوارتر می‌شود. می‌بایست در رابطه با خانواده و دوستان و آشنایان و مردم خود مثل خاک نرم بود و:
در بهاران کپی شود سرسبز سنگ
خاک شو تا گل برویی رنگ رنگ

منبع: روزنامه اعتماد 26 اسفند 1400 خورشیدی